

افزوده‌های صفت در فارسی در دستور وابستگی

مرضیه بدیعی^۱

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان

امید طیب‌زاده^۲

دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

افزوده‌ی صفت به آن دسته از وابسته‌های صفت اطلاق می‌شود که در ساختِ ظرفیتی این جزء کلام قرار ندارد، یعنی جزو متمم‌های آن نیست. افزوده‌ها پس از بیرون آمدن کلمات از واژگان و قرار گرفتن آنها در ساخت‌های نحوی گوناگون، به آنها افزوده می‌شوند. هدف ما در مقاله حاضر این است که براساس نظریه‌ی وابستگی به این سؤال‌ها پاسخ دهیم که آیا صفت‌های فارسی نیز همچون افعال و اسم‌ها دارای افزوده‌هایی هستند، و اگر هستند این افزوده‌ها کدامند؟ دیگر اینکه افزوده‌های صفت به چه صورت‌هایی بیان می‌شوند و جایگاه آنها، نحوه‌ی توزیع آنها و جهت افزودگی و اتصال آنها به هسته چگونه است؟ در پایان به این نتیجه رسیدیم که صفات فارسی دارای دو دسته افزوده هستند به شرح زیر: ۱. افزوده‌ی عام صفت، ۲. افزوده‌ی خاص صفت. در این مقاله همچنین مشخص کرده‌ایم که این افزوده‌ها عمدتاً به شکل قید صفت و صفت صفت ظاهر می‌شوند. افزوده‌های خاص صفت نسبت به افزوده‌های عام صفت از میزان وابستگی بیشتری با هسته برخوردارند. به عبارتی دیگر، افزوده‌های خاص صفت تنها هسته‌ی گروه صفتی را توصیف می‌کنند، در صورتی که افزوده‌های عام، کل گروه صفتی را توصیف می‌کنند. از نظر جایگاه و توزیع آنها در ساخت گروه صفتی، هر دو نزدیک به هسته به کار می‌روند، با این تفاوت که افزوده

1. marziyeh.badiee@yahoo.com

2. otabibzadeh@yahoo.com

عام صفت در فارسی معمولاً قبل از هسته، و افزوده خاص صفت معمولاً بعد از هسته به کار می‌رود.^۱

کلیدواژه‌ها: دستور وابستگی، صفت، افزوده خاص صفت، افزوده عام صفت.

۱. مقدمه

صفت همواره وابسته کلمه‌ای چون فعل ربطی و اسم در گروه‌های نحوی است، و نقش‌های نحوی مختلفی مانند نقش اسنادی و افزوده‌ای را به عهده می‌گیرد. اما گاهی درعین اینکه وابسته کلمه دیگری در یک گروه نحوی است، خود در مقام هسته نیز ظاهر می‌شود و وابسته یا وابسته‌هایی می‌گیرد که تعدادی از آنها متمم‌اند و تعدادی دیگر افزوده. متمم‌های صفت عبارتند از: ۱. متمم حرف اضافه‌ای، ۲. متمم نشانه اضافه‌ای، ۳. متمم بندی. برخی از متمم‌ها اجباری و برخی دیگر اختیاری‌اند. حذف متمم اجباری از گروه صفتی باعث بدساخت شدن یا غیردستوری شدن جمله می‌شود، و حذف متمم اختیاری جمله را بدساخت نمی‌کند، اما معنای آن در ساخت ظرفیتی صفت، به طور مستتر باقی می‌ماند (طیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۵).

دسته دیگر از وابسته‌های صفت، افزوده‌ها هستند که براساس میزان وابستگی‌شان به هسته، به دو دسته افزوده خاص صفت و افزوده عام صفت تقسیم می‌شوند. چنانکه خواهیم دید، افزوده‌های خاص صفت نسبت به افزوده‌های عام صفت از میزان وابستگی بیشتری با هسته برخوردارند. به عبارتی دیگر، افزوده‌های خاص صفت تنها هسته گروه صفتی را توصیف می‌کنند، در صورتی که افزوده‌های عام، کل گروه صفتی را توصیف می‌کنند. از نظر جایگاه و توزیع آنها در ساخت گروه صفتی، هر دو نزدیک به هسته به کار می‌روند، با این تفاوت که افزوده عام صفت در فارسی معمولاً قبل از هسته، و افزوده خاص صفت معمولاً بعد از هسته به کار می‌رود. چنانکه گفتیم افزوده‌های خاص و عام هیچ‌کدام در ساخت ظرفیتی هسته قرار ندارند و در نتیجه حذف آنها از گروه، ساخت گروه را غیردستوری و بی‌معنا نمی‌کند، با این وجود تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد که توجه به آنها ضروری است.

۱. برگرفته از رساله کارشناسی ارشد نویسنده اول این مقاله، با عنوان «بررسی افزوده‌های فعل، صفت و اسم در زبان فارسی بر اساس نظریه دستور وابستگی» به راهنمایی استاد گرانقدر دکتر امید طیب‌زاده.

افزوده‌های صفت در فارسی در دستور وابستگی

ما در این مقاله به بررسی انواع افزوده‌های صفات بیانی در فارسی می‌پردازیم و با توجه به معیارهایی آنها را از هم متمایز می‌سازیم. چارچوب نظری ما در این مقاله مبتنی بر آرای زبان‌شناسان پیرو دستور وابستگی (متیوز^۱، ۱۹۸۱؛ هادسن^۲، ۲۰۱۰) است. نظریهٔ دستور وابستگی یکی از نظریه‌های صورت‌گراست که از طریق بررسی روابط میان عناصر هسته و وابسته در زبان به توصیف ساخت‌های نحوی در زبان‌های گوناگون می‌پردازد. این نظریه به بحث دربارهٔ وابسته‌های افعال، صفات و اسم‌ها، یعنی اجزای اصلی کلام در جملات، اختصاص دارد. بر این اساس فعل و صفت و اسم، در جمله، هسته واقع می‌شوند و وابسته‌هایی به خود می‌گیرند. برخی از این وابسته‌ها به‌عنوان متمم به‌کار می‌روند و بخشی دیگر به‌عنوان غیرمتمم یا افزوده به‌کار می‌روند. متمم‌ها توسط هسته انتخاب می‌شوند و در ساخت ظرفیتی هسته قرار دارند و افزوده‌ها در ساخت ظرفیتی هسته قرار ندارند و به اختیار گوینده یا نویسنده وارد جمله می‌شوند (متیوز، ۱۹۸۱: ۱۲۵).

در باب متمم‌های فعل، صفت و اسم، در فارسی، تحقیقات مفصلی صورت گرفته است (ر.ک. طبیب‌زاده، ۱۳۹۱). راسخ‌مهند (۱۳۸۲) نیز در مقاله‌ای زیر عنوان قید فعل و قید جمله، افزوده‌های فعل را، برحسب اینکه فعل را مقید می‌سازد یا جمله را، به دو گروه قید فعل و قید جمله تقسیم کرده است. همچنین طبیب‌زاده (۱۳۹۱)، در کتاب خود از افزوده‌های صفت سخن به میان آورده و آن‌ها را به دو دستهٔ افزوده‌های خاص و عام تقسیم کرده است، اما چندان که باید به بحث دربارهٔ تفاوت‌های افزودهٔ خاص و عام صفت نپرداخته است. زبان‌شناسانی چون (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۴۴) و (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۸۸) نیز دربارهٔ وابسته‌های گروه صفتی تحقیقات مفصلی انجام داده‌اند، ولی در آنها هیچ اشاره‌ای به متمم‌ها و افزوده‌ها نکرده‌اند.

در بخش اول این مقاله به اختصار صفات را از جهت نقشی که در گروه/ جمله دارند، معرفی می‌کنیم و در بخش بعد، که بخش اصلی بحث ما را تشکیل می‌دهد، به معرفی، توصیف و تحلیل افزوده‌های صفت در فارسی بر اساس نظریهٔ دستور وابستگی می‌پردازیم.

1. P. H. Matthews
2. R. Hudson

۲. نقش‌های گروه صفتی

گروه صفتی در مواردی در درون گروه اسمی، گروه صفتی و یا در درون گروه فعلی به‌عنوان وابسته به‌کار می‌رود، و در مواردی دیگر خود در مقام هسته ظاهر می‌شود و وابسته‌هایی می‌گیرد. با توجه به این که گروه صفتی وابسته اسم، صفت یا فعل باشد، یا به‌عنوان هسته به‌کار رود، نقش‌های دستوری مختلفی می‌گیرد. این نقش‌ها عبارتند از نقش افزوده‌ای و نقش اسنادی:

۲.۱. نقش افزوده‌ای

صفت در جمله می‌تواند نقش افزوده‌ای داشته باشد، به این معنا که به دلخواه می‌توان صفت را برای توصیف دقیق‌تر و بیشتر اسم یا صفت بعد از آنها (اسم یا صفت) به‌کار برد و آن را توصیف کرد.

۲.۱.۱. نقش افزوده‌ای در گروه اسمی

صفت می‌تواند بعد از اسم قرار بگیرد و آن را توصیف کند، این دسته از صفات، وابسته اسم به‌شمار می‌روند. در زبان فارسی، صفات بیانی، پس از اسم و با علامت کسره اضافه به‌کار می‌روند و اسم را توصیف می‌کنند (طیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۶).

۱. لباس سبز.

۲. هوای مرطوب.

۳. کتاب علمی جالب.

در مثال‌های فوق، صفات «سبز»، «مرطوب» و «علمی جالب» به‌ترتیب اسم‌های «لباس»، «هوا» و «کتاب» را توصیف می‌کنند.

۲.۱.۲. نقش افزوده‌ای در گروه صفتی

وابسته‌های صفتی در گروه صفتی به دنبال صفت (هسته) و با نشانه اضافه به‌کار می‌روند و صرفاً صفت را توصیف می‌کنند. به این دسته از وابسته‌های صفتی، صفت نیز گفته می‌شود (حق شناس و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

افزوده‌های صفت در فارسی در دستور وابستگی

۴. قرمز کم‌رنگ.

۵. چرمی اصل.

در مثال‌های فوق، «قرمز کم‌رنگ» و «چرمی اصل» گروه‌های صفتی هستند که در آنها صفات «کم‌رنگ» و «اصل» به ترتیب صفات «قرمز» (در مثال «الف») و «چرمی» (در مثال «ب») را توصیف می‌کنند.

۲.۲. نقش اسنادی^۱

صفتی که نقش اسنادی دارد بدون هیچ نشانه‌ای پس از اسم واقع می‌شود (طیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۶):

۶. کتاب‌های دستور زبان بسیار سودمند و لازم است.

۷. بچه‌ها خوشحال هستند.

۸. هوا سرد است.

در جملات بالا، عبارات «بسیار سودمند و لازم»، «خوشحال» و «سرد» در نقش اسنادی به کار رفته‌اند.

در دستور وابستگی، صفات وقتی نقش افزوده‌ای دارند، وابسته اسم یا صفت محسوب می‌شوند و وقتی نقش اسنادی دارند وابسته فعل ربطی به‌شمار می‌روند.

۳. متمم‌های صفت

صفات علاوه بر اینکه می‌توانند وابسته هسته‌ای در یک گروه اسمی یا افعال ربطی باشند، گاه ممکن است در مقام هسته ظاهر شوند و خود وابسته‌هایی بگیرند. در دستور وابستگی هر هسته ظرفیت خاصی دارد، به این معنا که در ظرفیت واژگانی هر هسته، وابسته‌هایی قرار دارند، که این وابسته‌ها در نقش متممی ظاهر می‌گردند. یعنی به محض اینکه اهل زبان واژه‌ای را از واژگان ذهنی خود برمی‌گزینند، صورت و تعداد و نوع متمم‌های آن واژه را نیز خودبه‌خود انتخاب می‌کنند. این متمم‌ها یا اجباری هستند یا اختیاری، و هسته خود ناظر بر صورت و تعداد و نوع متمم‌های اجباری و اختیاری خود است. متمم‌های اجباری و اختیاری هر دو در

1. predicative

ظرفیت هسته قرار دارند اما تفاوت آنها در این است که با حذف متمم‌های اجباری، جمله غیردستوری می‌شود اما با حذف متمم‌های اختیاری، جمله دستوری باقی می‌ماند (طیب‌زاده، ۱۳۸۵، ۲۸-۲۵). مثلاً، صفت «مبتنی»، در ساخت ظرفیتی خود، یک متمم حرف اضافه‌ای (متح) «بر» دارد.

۹. مبتنی: <متح بری>.

۱۰. سخنان او مبتنی [بر آیات قرآن] است.

در این مثال متمم حرف اضافه‌ای «بر آیات قرآن»، متمم اجباری است و حذف آن از جمله باعث غیردستوری شدن جمله می‌شود.

۱۱. *سخنان او مبتنی است.

اما صفت «آگاه»، از جمله صفاتی است که می‌توان آن را با یک متمم اختیاری (متح «ازی»، یا متمم بندی (متب))، یا بدون هرگونه متممی به کار برد. متمم‌های اختیاری را در ساخت ظرفیتی در درون پرانتز می‌گذاریم:

۱۲. آگاه: <متح ازی/متب>.

۱۳. او آگاه [از مسائل روز جامعه] است.

۱۴. او آگاه است که چه پیش آمده است.

۱۵. او آگاه است.

طیب‌زاده (۱۳۸۸)، سه نوع متمم را برای صفت در زبان فارسی برشمرده است: ۱. متمم حرف اضافه‌ای، ۲. متمم اضافه‌ای، ۳. متمم بندی.

۱.۳. متمم حرف اضافه‌ای

بعضی از صفات در زبان فارسی با یک متمم حرف اضافه‌ای (متا) اجباری یا اختیاری همراه می‌شوند.

۱۶. مغایر <متح بایی>.

رفتارهای او مغایر [با شخصیت خانوادگی شمایح] است.

۱۷. آماده <متا>.

علی آماده [برای جنگ] است.

افزوده‌های صفت در فارسی در دستور وابستگی

۲.۳. متمم اضافه‌ای

برخی صفات فارسی، با یک اسم، که به واسطه نشانه یا کسره اضافه به صفت می‌پیوندد، به کار می‌روند. صفاتی مانند، «گرفتار، مبین، مشمول» از جمله صفاتی هستند که با متمم اضافه‌ای (م تا) همراه می‌شوند.

۱۸. گرفتار <م تا>.

علی گرفتار [اعتیاد_{م تا}] شد.

۱۹. مبین <م تا>.

این اعمال مبین [ایمان_{م تا}] اوست.

۳.۳. متمم‌بندی

برخی از صفات در فارسی از جمله «آماده، آگاه، شاهد» از جمله صفاتی هستند که متمم‌بندی می‌گیرند.

۲۰. او آماده است [که امتحان بدهد_{م تا}].

۲۱. او آگاه است [که درس نخواندن به ضرر خودش است_{م تا}].

۴. افزوده‌های صفت

گفتیم در دستور وابستگی علاوه بر برخی از وابسته‌ها، که در نقش متممی یک صفت ظاهر می‌شوند و در ساخت ظرفیتی آن به کار می‌روند، دسته‌ای دیگر از وابسته‌ها نیز وجود دارند که در ساخت ظرفیتی صفت قرار ندارند ولی گاهی همراه با صفت به کار می‌روند. این وابسته‌ها «افزوده» نام دارند که با حذف آنها هیچ خللی به معنا و ساخت گروه صفتی وارد نمی‌شود (طیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۵). برای مثال، «تیره» را می‌توان از گروه صفتی «سبز تیره» حذف کرد بدون اینکه گروه صفتی را غیردستوری و بی‌معنا سازد.

۲۲. لباس سبز تیره.

۲۳. لباس سبز.

صفت «تیره» در مثال فوق، یک افزوده در گروه صفتی است که برای اینکه صفت «سبز» را بهتر توصیف کند همراه آن آمده است.

ما در این مقاله در میان نقش‌هایی که برای وابسته‌های صفتی مطرح کردیم، صرفاً به توصیف و بررسی نقش افزوده‌ای می‌پردازیم.

افزوده‌های صفت را به دو دسته افزوده‌های خاص و افزوده‌های عام تقسیم می‌کنیم. افزوده‌های خاص از لحاظ معنایی فقط با برخی از هسته‌ها به کار می‌روند و هسته کوچک‌ترین نقشی در تعیین نوع و تعداد افزوده‌ها ندارد. افزوده‌های عام با هر هسته‌ای به کار می‌روند و هسته هیچ نقشی، نه در تعیین صورت و نه در تعداد آنها، ندارد. و همچنین هیچ ارتباط معنایی خاصی بین هسته و این دسته از افزوده‌ها وجود ندارد (طیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۳). براساس سه معیار می‌توان به بررسی و توصیف افزوده‌های عام و خاص صفت پرداخت. افزوده خاص فقط هسته گروه صفتی را توصیف می‌کند اما افزوده عام کل گروه صفتی را. افزوده خاص تنها با برخی صفات، که از نظر معنایی با آنها هماهنگی دارد، به کار می‌رود، اما افزوده عام با همه صفات به کار می‌رود. و بالاخره اینکه توزیع افزوده عام در گروه صفتی نسبتاً آزاد است، اما توزیع افزوده خاص مطلقاً آزاد نیست و با محدودیت‌هایی همراه است.

مثلاً گروه‌های صفتی زیر را، که در آنها هسته گروه صفتی با یک قید صفت (قص) یا یک صفت صفت (صص) توصیف شده است، در نظر بگیرید.

۲۴. الف) [تقریباً] سرخ کم‌رنگ.

ب) [کاملاً] آبی روشن.

پ) [واقعاً] زیبا.

۲۵. الف) سرخ [کم‌رنگ‌ص].

ب) سبز [بسیار روشن‌ص].

پ) طلایی [زرد‌ص].

در گروه‌های صفتی فوق، وابسته‌های «تقریباً، کاملاً، واقعاً، کم‌رنگ، بسیار روشن و زرد» افزوده‌های صفت هستند، زیرا هیچ‌کدام در ساخت ظرفیتی صفت‌های فوق قرار ندارند و با حذف آنها نیز هیچ خللی در ساخت گروه صفتی وارد نمی‌شود. افزوده‌های صفت تنها برای توصیف بهتر یا دقیق‌تر صفت با آن همراه می‌شوند (کروگر^۱، ۲۰۰۵: ۵۸)، و گویشوران به اقتضای بافت و موقعیت آن را به هسته اضافه می‌کنند. اما نکته قابل توجه این است که رابطه میان افزوده‌های گروه‌های صفتی «۲۴» و افزوده‌های گروه‌های صفتی «۲۵» با هسته گروه

1. P. R. Kroeger

افزوده‌های صفت در فارسی در دستور وابستگی

صفتی یکسان نیست. افزوده‌های گروه اول، افزوده‌ی عام یا قید هستند که کل گروه صفتی را توصیف می‌کنند، اما افزوده‌های گروه دوم افزوده‌های خاص، یا صفت صفت هستند که صرفاً هسته‌ی گروه صفتی را توصیف می‌کنند و در نتیجه وابستگی بیشتری با هسته دارند. برای مثال «تقریباً» در مثال «۲۴ (الف)»، رنگ چیزی را از لحاظ کمی نشان می‌دهد، به عبارتی دیگر، مشخص می‌کند که رنگ چیزی حدوداً سرخ کم‌رنگ است. اما صفت «کم‌رنگ» در مثال «۲۵ (الف)»، سرخی چیزی را از لحاظ کیفی نشان می‌دهد، به عبارتی دیگر، نوع سرخی چیزی را می‌توان با صفاتی چون آتشین، کم‌رنگ، متمایل به زرشکی و ... مشخص کرد. که در اینجا میزان سرخی با صفت «کم‌رنگ» مشخص شده است. همچنین تمایز دیگری که میان افزوده‌های گروه‌های صفتی «۲۴» و «۲۵» وجود دارد این است که افزوده‌های «کم‌رنگ» بسیار روشن و زرد» تنها با صفاتی به کار می‌روند که با آنها تناسب معنایی داشته باشند، مثلاً، افزوده «کم‌رنگ»، تنها با صفاتی به کار می‌رود که به نوعی رنگ دلالت داشته باشند، و آوردن این افزوده با صفات دیگر، ساخت گروه صفتی را بی‌معنا می‌سازد.

۲۶. *چاق کم‌رنگ.

۲۷. *دراز کم‌رنگ.

۲۸. زرد کم‌رنگ.

ولی افزوده‌های «تقریباً، کاملاً، واقعاً» عموماً با همه صفات به کار می‌روند، برای مثال، افزوده «تقریباً» را می‌توان با صفات «چاق، دراز و زرد» آورد و بین آنها محدودیت هم‌آیی وجود ندارد.

۲۹. تقریباً چاق.

۳۰. تقریباً دراز.

۳۱. تقریباً زرد.

از لحاظ جایگاه، افزوده‌های عام «تقریباً، کاملاً و واقعاً» به ترتیب پیش از هسته‌ی گروه صفتی به کار می‌روند و آوردن آنها پس از هسته‌ی گروه صفتی، جمله را غالباً غیردستوری می‌سازد.

۳۲. مرد تقریباً چاق / *مرد چاق تقریباً.

۳۳. جاده کاملاً دراز / *جاده دراز کاملاً.

۳۴. طلای واقعاً زرد / *طلای زرد واقعاً.

همچنین افزوده‌های خاص «کم‌رنگ، بسیار روشن و متمایل به زرد»، پس از هسته گروه صفتی به‌کار می‌روند و آوردن آنها پیش از هسته، یا ساخت گروه صفتی را غیردستوری می‌سازد یا مفهوم آن را تغییر می‌دهد.

۳۵. *سرخ کم‌رنگ است / *کم‌رنگ سرخ.

۳۶. آبی بسیار روشن / *بسیار روشن آبی.

۳۷. قهوه‌ای متمایل به زرد / *متمایل به زرد قهوه‌ای.

۵. صفات متوالی

دیدیم که صفت در یک گروه صفتی می‌تواند نقش افزوده خاص داشته باشد، به این معنا که به دلخواه می‌توان صفت را برای توصیف دقیق‌تر و بیشتر بعد از یک صفت دیگر به‌کار برد و آن را توصیف کرد. در زبان فارسی، افزوده خاص، پس از صفت و با علامت کسره اضافه به‌کار می‌رود و هسته گروه صفتی را توصیف می‌کند:

۳۸. لباس [قرمز کم‌رنگ می‌].

۳۹. پارچه [آبی نفتی می‌].

۴۰. کت [پشمی خالص می‌].

در گروه‌های صفتی (گص) فوق، افزوده‌های «کم‌رنگ»، «نفتی» و «خالص» به‌ترتیب صفات «قرمز» (در مثال «۳۸») و «آبی» («در مثال «۳۹») و «پشمی» (در مثال «۴۰») را توصیف می‌کنند. این دسته از وابسته‌های صفتی را افزوده‌های خاص صفت می‌نامیم، به دلیل اینکه از یک طرف، فقط صفت پیش از خود را توصیف می‌کنند. مثلاً، در مثال «۳۸»، افزوده خاص «کم‌رنگ»، میزان قرمزی لباس را مشخص می‌کند و در مثال «۳۹»، افزوده خاص «نفتی» نوع آبی‌پارچه را تعیین می‌کند و بالاخره در مثال «۴۰»، افزوده خاص «خالص»، کیفیت پشم را بیان می‌کند. از طرف دیگر، همانطور که گفته شد، این دسته از افزوده‌ها، برخلاف افزوده‌های عام، با همه صفات همراه نمی‌شوند و تنها با صفاتی می‌آیند که با آنها تناسب معنایی داشته باشند. مثلاً، نمی‌توان افزوده خاص «نفتی» را با صفات «قرمز» و «پشمی» آورد:

۴۱. *قرمز نفتی.

۴۲. *پشمی نفتی.

افزوده‌های صفت در فارسی در دستور وابستگی

اما باید توجه داشت صفاتی که پیوسته به دنبال هم می‌آیند، همواره صفتِ ماقبل خود را توصیف نمی‌کنند. برای نمونه به مثال‌های زیر توجه کنید:

۴۳. *کت [شیک مجلسی].

۴۴. *هندوانه [آب‌دار شیرین].

«شیک» و «مجلسی» در مثال «۴۳» و «آب‌دار» و «شیرین» در مثال «۴۴» با هم یک گروه صفتی را تشکیل نمی‌دهند و هرکدام به تنهایی یک گروه صفتی مستقل هستند که به صورت جداگانه اسم ماقبل خود را توصیف می‌کنند. دو استدلال برای تأیید نکته فوق می‌توان آورد:

۱. همانطور که می‌دانیم، تنها اجزایی را که دارای ساخت مشترک هستند، (یعنی از یک مقوله دستوری هستند) و دارای سطح یکسانی نسبت به هم هستند (یعنی یا هسته‌اند یا وابسته) می‌توان در ساختی همپایه به کار برد. بنابراین اگر نتوان صفاتی را که به دنبال هم آمده‌اند به صورت همپایه به کار برد، می‌توان گفت که این صفات سطح یکسانی نسبت به یکدیگر ندارند، یعنی یکی هسته و مابقی صفاتِ وابسته‌های آن محسوب می‌شوند. از این رو، همپایه‌کردن صفاتِ «شیک» و «مجلسی» در مثال «۴۳» و «آب‌دار» و «شیرین» در مثال «۴۴» هیچ خللی به ساخت صوری و معنایی این عبارات وارد نمی‌کند.

۴۵. کت [شیک مجلسی] / کت [شیک] و [مجلسی].

۴۶. هندوانه [آب‌دار شیرین] / هندوانه [آب‌دار] و [شیرین].

پس صفات «شیک» و «مجلسی»، در مثال «۴۵»، هرکدام گروه صفتی مستقلی است و هیچ‌کدام وابسته به دیگری نیست، یعنی هر دو دارای سطح یکسانی نسبت به همدیگرند و هسته ماقبل خود («کت») را توصیف می‌کنند. به همین ترتیب در مثال «۴۶»، صفات «آب‌دار» و «شیرین» نیز به همین گونه عمل می‌کنند، یعنی هر دو از وابسته‌های هسته ماقبل خود یعنی «هندوانه» هستند.

اما همپایه‌کردن عبارتی چون «گوسفندیِ خالص»، در مثال زیر، آن را غیردستوری و بی‌معنا می‌سازد:

۴۷. کباب [گوسفندیِ خالص] می‌آید.

۴۸. *کباب [گوسفندی و خالص].

هر چند که «گوسفندی» و «خالص» هر دو صفت هستند ولی عبارت «گوسفندیِ خالص» یک گروه صفتی است که در آن «گوسفندی»، هسته و «خالص»، وابسته آن است. یعنی رابطه وابستگی میان آن‌ها برقرار است و نمی‌توان آن‌ها را در ساختی همپایه به کار برد. خلاصه اینکه در گروه صفتی «گوسفندیِ خالص»، «خالص» افزوده خاص صفت «گوسفندی» است.

۲. همان‌طور که گفته شد، افزوده خاص صفت بعد از هسته گروه صفتی به کار می‌رود و امکان جابه‌جایی افزوده خاص صفت پیش از هسته وجود ندارد. بنابراین اگر بتوان جایگاه صفاتی را که به دنبال هم به کار می‌روند با هم عوض کرد می‌توان گفت که صفات، جایگاه یکسانی نسبت به هم دارند.

۴۹. کت [شیک مجلسی] / کت [مجلسی شیک].

۵۰. هندوانه [آب‌دار شیرین] / هندوانه [شیرین آب‌دار].

در مثال‌های «۴۹» و «۵۰» می‌توان جایگاه دو صفت را عوض کرد بدون این‌که خللی در معنا یا ساخت جمله ایجاد شود. بنابراین صفاتِ فوق («شیک» و «مجلسی» در مثال «۴۹» و «آب‌دار» و «شیرین» در مثال «۵۰») هر کدام گروه صفتی مستقلی است و رابطه وابستگی میان آن‌ها وجود ندارد و وابسته به هسته گروه اسمی، یعنی اسم ماقبل خود («کت» در مثال «۴۹» و «هندوانه» در مثال «۵۰») هستند و از میزان وابستگی یکسانی نسبت به هسته برخوردارند.

اما در عبارتی چون «گوسفندیِ خالص»، جابه‌جایی دو صفت باعث غیردستوری شدن گروه صفتی می‌شود.

۵۱. کباب [گوسفندیِ خالص] می‌آید.

۵۲. *کباب خالصِ گوسفندی.

افزوده‌های صفت در فارسی در دستور وابستگی

عبارت «خالص گوسفندی» در مثال «۵۲»، یک گروه صفتی که در آن «خالص» هسته و «گوسفندی» وابسته آن باشد نیست. به عبارتی دیگر، صفت «گوسفندی» نمی‌تواند صفت «خالص» را توصیف کند و افزوده آن به‌شمار رود.

۶. نتیجه‌گیری

هر گروه صفتی، مرکب از یک هسته صفتی است، به‌علاوه صفر تا چند وابسته، که یا متمم هستند یا افزوده. حذف متمم‌ها از ساخت، باعث غیردستوری شدن ساخت گروه صفتی می‌شود، و یا اگر باعث بدساخت شدن آن نشود، معنایش به صورت مستتر در ساخت باقی می‌ماند. ولی حذف افزوده‌ها از گروه صفتی باعث بدساخت یا غیردستوری شدن جمله نمی‌شود و این گونه نیست که با حذف آن، معنای آن نیز در ساخت ظرفیتی صفت باقی بماند. افزوده‌های صفت را برحسب میزان وابستگی آنها به هسته می‌توان به دو دسته کلی افزوده‌های عام و افزوده‌های خاص تقسیم کرد. افزوده عام صفت همواره به صورت قید و قبل از صفت ظاهر می‌شود و کل گروه صفتی را توصیف می‌کند، اما افزوده خاص صفت به صورت صفت و بعد از هسته به‌کار می‌رود و تنها هسته را توصیف می‌کند. افزوده خاص تنها با برخی صفات، که از نظر معنایی با آن هماهنگی دارد، به‌کار می‌رود، اما افزوده عام با همه صفات به‌کار می‌رود. و بالاخره اینکه افزوده عام در گروه صفتی معمولاً پیش از هسته قرار می‌گیرد، اما افزوده خاص صرفاً پس از هسته ظاهر می‌شود. در این مقاله نشان دادیم که در صفات متوالی، دو نوع رابطه وابستگی و همپایگی وجود دارد. زمانی که یک صفت، صفت ماقبل خود را توصیف کند، میان آنها رابطه وابستگی وجود دارد و زمانی که صفات متوالی در ساختی همپایه به‌کار روند و هیچ‌کدام دیگری را توصیف نکنند، میان آنها رابطه همپایگی وجود دارد.

منابع

حق‌شناس، علی‌محمد و دیگران (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی (دوره‌های کاردانی و کارشناسی تربیت معلم). تهران: انتشارات مدرسه.
راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۲). «قید فعل و قید جمله در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی. س. هجدهم، ش. ۱، ۱۰۰-۹۵.

مجله زبان و زبان‌شناسی

طیب‌زاده، امید (۱۳۸۵). ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز. تهران: نشر مرکز.

طیب‌زاده، امید (۱۳۸۸). «ظرفیت صفت در فارسی». مجله دستور، زمیمه نامه فرهنگستان. ش. ۵، ۲۶-۳.

طیب‌زاده، امید (۱۳۹۱). دستور زبان فارسی: بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی. تهران: نشر مرکز.

مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی). تهران: سمت.

Hudson, R. (2010). *An introduction to word grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.

Kroeger, P. R. (2005). *Analyzing grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.

Matthews, P. H. (1981). *Syntax*. Cambridge: Cambridge University Press.